

**دوشنبه 26 بهمن 30 صفر 15 فوریه**

هجرت رسول خدا(ص) اول هجری قمری...

**سریه عبیده بن حارث در سال دوم هجری قمری**

پیامبر اکرم(ص) برای تعقیب کاروان‌های قریش و حرکت‌های ایذایی بر ضد مشرکانی که برای جان و مال مسلمانان مکه و پیروان دین اسلام، احترامی قائل نبوده و آنان را از خانه و کاشانه خویش دور ساختند و دارایی هایشان را به تاراج بردند، اقدام به رزمایش‌های نظامی و قدرتی نمود.

آن حضرت، به قصد یکی از کاروان‌های قریش که میان شام و مکه، بازرگانی می‌کرد، پسر عمویش عبیده بن حارث بن عبدالمطلب را در رأس شصت و یا هشتاد رزمنده مسلمان که همگی از گروه مهاجران بودند، اعزام کرد.

عبیده بن حارث به سوی ساحل " دریای سرخ "، که محل عبور کاروان‌های شام به مکه و بالعکس بود، روان شد و در " رابغ "، که در ده میلی " جُحفه " قرار دارد، به کاروان قریش رسید. سرپرست کاروان، " ابوسفیان بن حرب " و به روایتی "عکرمة بن ابی جهل" و به روایت دیگر "مکرز بن حفص" بود. تعداد کاروانیان به دویست نفر بالغ می‌شد.

از میان مسلمانان، " سعد بن ابی وقاص"، تیری به سوی کاروان قریش رها کرد. روایت شد که وی دارای تیردانی بود که بیست پیکان تیر در آن، جا می‌شد و هرگاه، هر یک از آن‌ها را به مقصدی رها می‌کرد، به هدف اصابت می‌کرد و هیچ گاه تیرش به هدر نمی‌رفت. وی نخستین مسلمانی بود که در راه اسلام تیری رها کرد.

اما به غیر از این مورد، میان دو طرف، درگیری و نزاعی به وقوع نپیوست و هر کدام به شهرهای خویش برگشتند. گرچه در این سریه، جنگی میان دو طرف روی نداد، ولیکن دلیری و جسارت رزمندگان اسلام در تعقیب مشرکان قریش، در آن سرزمین دور دست، آثار خویش را بر جای گذاشت و مشرکان مکه را با پدیده تازه‌ای به نام نظام و حکومت اسلامی روبرو گردانید و رعب و وحشتی در میان آنان برانگیخت. در تاریخ این سریه، اتفاقی میان تاریخ نگاران نیست.

واقعی، آن را در ماه شوال، هشتمین ماه هجرت پیامبر(ص) به مدینه منوره و مؤلف کتاب "الاستیعاب"، آن را در ماه ربیع الاول سال دوم هجری و نخستین سریه اسلامی دانسته‌اند. در کتاب المحبر گفته شد که این سریه، در نخستین روز ربیع‌الاول واقع گردید.

**نامه معاویه به امام علی بن ابی طالب(ع) در سال 36 هجری قمری**

معاویه بن ابی سفیان که از زمان عمر بن خطاب، حاکم شام بود و در زمان عثمان، بر قدرت و استیلایش در آن منطقه افزوده شده بود، از پذیرش خلافت امام علی(ع) و گردن نهادن به آرای اکثریت قاطع مردم، سرباز زد و یاغی گری آغاز نمود. امام علی(ع) در آغاز، نامه‌ای برای معاویه نوشت و وی را به پذیرش آرای مردم و گردن نهادن به خلافت بر حق اسلامی فرا خواند و نامه را به وسیله شخصی به نام "سبره جهنی" برایش ارسال کرد.

معاویه پس از دریافت نامه، پاسخی نداد و نامه رسان را معطل کرد و هرگاه سبره جهنی از او پاسخ نامه را می‌خواست، شعری می‌خواند که مضمونش در پیش گرفتن صبر و حوصله و سپس پرداختن به جنگ و آن گاه گرفتن حکومت بود.

وی سرانجام در صفر سال 36 قمری، طوماری برای امام علی(ع) فرستاد که تماماً سفید و غیر نوشته بود و تنها در بالای آن نگاشته شده بود: **بسم الله الرحمن الرحيم. آن گاه این عنوان را بر آن نوشته بود: من معاوية الی علی بن ابی طالب!**

وی، این نامه را به شخصی به نام " یزید بن حَزْر " که معروف به " قبیصه عبسی" بود، سپرد و به وی سفارش کرد که هنگام رسیدن به نزد امام علی(ع) چگونه آن را باز کند و به خواند.

به هر روی، قبیصه عبسی را به همراه نامه رسان امام علی(ع) به مدینه اعزام کرد.

آن دو، در اول ربیع الاول سال 36 قمری وارد مدینه منوره گردیده و به نزد حضرت علی(ع) رسیدند.

پیک معاویه به همان صورتی که وی دستور داده بود، طومار را از پایین گرفت و بلند کرد و به دست امام علی(ع) داد.

آن حضرت، طومار را باز کرد و در آن چیزی جز کلمه " بسم الله " نیافت و با هوشیاری خویش فهمید که معاویه قصد فتنه انگیزی و جنگ با آن حضرت را دارد. امام علی(ع) به پیک معاویه فرمود: در شام چه روی داده است؟

نامه رسان گفت: اگر بگویم در امانم؟

امام(ع) فرمود: آری در امانی.

قبیصه عبسی: مردمی را ترك گفتم که جز قصاص، چیزی نمی‌خواهند.

امام(ع): قصاص از چه کسی؟

قبیصه عبسی: قصاص از تو! من در حالی شام را ترك کرده و به سوی تو آمدم که شصت هزار پیرمرد شامی در زیر پیراهن عثمان مقتول، که به منبر مسجد دمشق آویخته بود، می‌گریستند.

امام علی(ع) سر به آسمان بلند کرد و گفت: بار خدایا تو می‌دانی که من از خون عثمان بری‌ام.

آن گاه، آن حضرت پیک معاویه را به دمشق بازگردانید و این شخص، هنگامی که می‌خواست از شهر مدینه عبور کند، گروهی اطرافش را گرفته و گفتند: این سگ را که از سوی سگان آمده است، بکشید. پیک معاویه با جسارت تمام فریاد می‌زد: ای گروه قریش! سوارگان، سوارگان. سوگند به خدایی که جانم به دست اوست، روزی چهار هزار رزمنده بر شما وارد می‌گردند. جوانان مدینه به خاطر بی‌ادبی‌اش، قصد کشتن او را نمودند، که از سوی مأموران امام علی(ع) پراکنده شدند و نامه رسان معاویه به سلامت به سوی دمشق رهسپار شد.

کشته شدن مسور بن مخرمه در خانه خدا در سال 64 هجری قمری "مسور بن مخرمه بن نوفل" که از اصحاب خردسال رسول خدا(ص) محسوب می‌گردید، تا زمان کشته شدن عثمان بن عفان، در مدینه می‌زیست و آن گاه این شهر مقدس را ترك و به مکه معظمه کوچ کرد. رابطه وی با معاویه بن ابی سفیان بسیار گرم و صمیمانه بود و از توجهات معاویه برخوردار می‌گردید و در ماجرای قیام "عبدالله بن زبیر" در سال 64 قمری، به این قیام پیوست و در صدد پیروزی وی برآمد. "حصین بن نمیر" که از سوی یزید بن معاویه به مکه هجوم آورده و آن را از هرسو به محاصره خویش گرفته بود، با مقاومت سرسخت عبدالله بن زبیر و لشکریانش روبرو شد. بدین جهت این شهر مقدس را با منجیق‌های بزرگ از بالای "کوه ابوقیس"، سنگ باران کرد و حتی به "کعبه" نیز آسیب‌های جدی رسانید. مسور بن مخرمه که به همراه تعداد زیادی از طرفداران عبدالله بن زبیر به خانه خدا (کعبه) پناهنده شده بود، مورد اصابت یکی از آن سنگ‌های پرتاب شده قرار گرفت و به شدت زخمی و بیمار گردید و پس از پنج روز درد و رنج، در اول ربیع الاول سال 64 قمری وفات یافت. عبدالله بن زبیر، بدن وی را غسل داد و خود بر وی نماز خواند و در "حجون" دفنش نمود.

ماموریت موفق عباسی برای نبرد با صاحب الزنج در سال 258 هجری قمری علی بن محمد، معروف به "صاحب الزنج" که به روایتی از پیروان فرقه خوارج بود، در سال 255 قمری، آشوب‌هایی را در جنوب عراق رهبری کرد و به تدریج، افرادی را به خود وابسته نمود و آنان را برای آشوب، غارت و کشتار آماده کرد و داعیان خویش را به سایر مناطق جنوبی عراق و بخش‌هایی از جنوب غربی ایران گسیل داشت، تا مردم را بر ضد عباسیان شورانیده و با بیرون کردن عامل حکومت و سپاهیان خلیفه، اقدام به چپاول و کشتار کنند. آنان، شهر بزرگ بصره را در پی هجومی سخت و شکننده، تصرف نمودند و در این راه، تعداد زیادی از سپاهیان دوطرف و مردم شهر کشته و زخمی گردیدند. صاحب الزنج و سپاهیان او، پس از تصرف بصره، دارایی‌های اهالی این شهر را غارت کرده و به بندرگاه و لنگرهای بصره نیز آسیب کلی رسانیدند و تمام قایق‌ها و کشتی‌ها را به همراه محموله و کالاهایشان به تاراج بردند. پس از بصره، شهرهای عبادان (آبادان)، اهواز و ابله را نیز تصرف کردند و در این میان، وحشت و اضطراب عظیمی در مردم ایجاد نموده و خلافت عباسیان را با خطری بزرگ، مواجه کردند. در اول ربیع الاول سال 258 قمری، معتمد بالله (پانزدهمین خلیفه عباسی) برادر خود، "موفق بالله عباسی" را به همراه "مفلح ترکی" به نبرد صاحب الزنج اعزام کرد. مفلح، که فرماندهی جسور و جنگنده‌ای بی‌باک و ترك نژاد بود و در بسیاری از آشوب‌ها و قیام‌های مردمی بر ضد خلافت عباسی، نقش سرکوبگر را بر عهده داشت و معترضان را با بی‌رحمی تمام نابود می‌کرد، در نبرد با صاحب الزنج نیز فرماندهی لشکر موفق عباسی را بر عهده داشت. ولیکن در این نبرد سخت و سهمگین، پیروزی با سپاهیان صاحب الزنج بود و مفلح به همراه تعداد زیادی از یاران موفق عباسی کشته شدند. تاریخ کشته شدن مفلح، هیجده جمادی الاولى سال 258 قمری است. موفق عباسی که توان رویارویی با صاحب الزنج را از دست داده بود، به ناچار عقب نشینی کرد. شرح ماجرای صاحب الزنج را در کتاب "ماه صفر" از سلسله روزشمار تاریخ اسلام، صفحه 53 بیان کردیم و بدین جهت خوانندگان ارجمند را جهت کسب اطلاع و آگاهی بیشتر به آن ارجاع می‌دهیم.

درگذشت ابوسعید عبدالکریم سمعانی مروزی محدث، مورخ و نسب شناس ایرانی در سال 562 هجری قمری &#171#؛ ابو سعید عبد الکریم سمعانی مروزی &#171#؛ محدث، مورخ و نسب شناس معروف ایرانی در سال 562 هجری قمری در گذشت. اوبه شهرهای مختلف سفر کرد و احادیث معتبر و اخبار مربوط به رویدادهای تاریخی را ثبت کرد. مشهورترین اثر سمعانی کتاب تاریخی &#171#؛ الانساب &#171#؛ است که شامل زندگینامه بزرگان علم و ادب و دین است. دیگر اثر او &#171#؛ تاریخ مرو &#171#؛ نام دارد.

درگذشت &#171#؛ ابن منیر فقیه مالکی &#171#؛ مفسر و خطیب در سال 683 هجری قمری &#171#؛ ابن منیر فقیه مالکی &#171#؛ مفسر و خطیب برجسته در سال 683 هجری قمری در اسکندریه در گذشت. او نزد بزرگان علوم دینی دانش آموخت و مورد ستایش مولفان عصرش قرار گرفت. ابن منیر در کنار تالیف و تدریس، منصب قضاوت را بعهده داشت. &#171#؛ البحر الکبیر فی نخب التفسیر &#171#؛ درباره تفسیر قرآن مجید از آثار ابن منیر بشمار می‌رود.

دستگیری و محاکمه مهرهای خائن رژیم پهلوی توسط مردم در سال 1357 هجری شمسی با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط رژیم منورپهلوی مردم انقلابی و مسلمان کشورمان اقدام به دستگیری و محاکمه مهره‌های خائن در سال 1357 هجری شمسی رژیم کردند. در این روز رئیس سازمان امنیت رژیم ستمشاهی اولین فرماندار نظامی در دوران انقلاب اسلامی، فرمانده هوانپروز و فرمانده نظامی تهران و عامل کشتار مردم بی‌دفاع و مظلوم در تهران دستگیر و به حکم دادگاه انقلاب اسلامی به اعدام محکوم شدند.

اخراج ارتش سرخ شوروی سابق از خاک افغانستان در سال 1989 میلادی پس از ده سال اشغال نظامی افغانستان به دست ارتش سرخ شوروی سابق با مقاومت نیروهای جهادگر مسلمان از افغانستان قوای متجاوز از این کشور در سال 1989 میلادی اخراج شدند؛ افغانستان در سال 1979 میلادی با ورود ارتش سرخ به بهانه حمایت از رژیم حاکم بر افغانستان که دست‌نشانده روسیه بود به اشغال قوای بیگانه درآمد. اما از همان ابتدا مسلمانان مبارز به مقابله با اشغالگران برخاستند و عاقبت پس از ده سال استقامت، هیئت حاکمه افغانستان گروه‌های مبارز را به رسمیت شناخت و بدین ترتیب ملت مجاهد افغان نیروهای متجاوز روسی را از کشور خود بیرون راندند.

درگذشت الکساندر سرگوییچ پوشکین شاعر و نویسنده بزرگ روسی در سال 1837 میلادی الکساندر سرگوییچ پوشکین شاعر و نویسنده بزرگ روسی در سال 1837 میلادی درگذشت. او در ژوئن 1799 میلادی در مسکو بدنیا آمد و سالها بعد به پدرا دییات جدید روسی ملقب شد. پوشکین نخستین کسی است که به زبان روسی جنبه ادبی بخشید. از مهمترین آثار او به &#171؛ فواره باغچه سرای، بوریس گودوئف و دختر سلطان &#171؛ می‌توان اشاره کرد.

تولد گالیلئو گالیله ریاضیدان و فیزیکدان ایتالیایی در شهر پیزای ایتالیا در سال 1564 میلادی گالیلئو گالیله ریاضیدان و فیزیکدان ایتالیایی در سال 1564 میلادی در شهر پیزای ایتالیا متولد شد. وی به کمک ذره بینی که این هیثم اختراع کرده بود یکی از نخستین دوربین‌های نجومی را اختراع کرد و با آن معلوم ساخت که کره ماه پستی و بلندی‌های متعددی دارد و کهکشان از ستارگان کوچک بسیار تشکیل شده است. گالیله همچنین اعلام کرد که خورشید ثابت است و هرگز منظومه شمسی است و دیگر سیارات این منظومه به دور آن گردش می‌کنند. البته ابوریحان بیرونی دانشمند نامی ایران حدود 600 سال قبل از گالیله حرکت زمین را به اثبات رسانده بود. پس از این اظهارات پاپ گالیله را به روم فراخواند و عقاید او را کفر شمرد. گالیله ناچار به زانو درآمد و از عقیده خود استعفا کرد.